



The necessity of the intervention of the Islamic overnment in the virtual space from the point of view of Islamic jurisprudence in order to establish political-cultural security

Muhammad Sadri Arhami ¹| Ehsan Moradzadeh ²

1. Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, Imam Hussein University, Tehran, Iran

2. Corresponding Author, Phd of Law, Faculty of Social Sciences, Imam Hussein University, Tehran, Iran
eh.moradzadeh@gmail.com

Abstract

Cyberspace has permeated all levels of individual and social life across humanity, manifesting itself in society through both advantages and disadvantages. The opportunities and security threats arising from cyberspace have highlighted the necessity of a jurisprudential rethinking regarding the obligation of intervention by the Islamic government. By focusing on a jurisprudential analysis of the issue and an evaluation of the relevant shar'i evidences, this article seeks to elucidate and reinforce the theory of the obligatory intervention of the Islamic state in cyberspace. Given the doubts expressed by some scholars concerning the possibility of intervention by the Islamic government in cyberspace, it becomes necessary to raise the following question: from the perspective of Islamic jurisprudence, does the Islamic government have the right to intervene in cyberspace? Considering the necessity of security in all governments an obligation from which the Islamic government is not exempt the research hypothesis, relying on jurisprudential principles, maxims, and the generality of evidences, including the principle of negation of domination (nafy al-sabīl), the principle of preserving public interest, the necessity of establishing governance, the evidences for the obligation of enjoining good and forbidding wrong, and the principle of preserving social order, regards the intervention of the Islamic government in cyberspace as necessary. On this basis, the aforementioned jurisprudential rules and evidences provide the Islamic ruler with the capacity to intervene in cyberspace in order to undertake extensive measures such as legislative arrangements and the enactment of specific regulations, the imposition of restrictions on certain vulgar or misleading websites, and similar actions. Such intervention, whether affirmative or restrictive, may be regarded as a religiously obligatory act within cyberspace. To substantiate this hypothesis, the present study employs a descriptive-analytical method grounded in an ijtihād-based approach.

Keywords: Intervention, Security, Islamic Government, Cyberspace, Islamic Jurisprudence (Fiqh)

Volume info

Vol. 18
Series: 69
Winter 2025
P.P: 193-214

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-04-18
Revised:
2025-11-14
Accepted:
2025-12-07
Published:
2025-12-31

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Cite this Article: Moradzadeh, Ehsan, and Sadri Arhami, Mohammad. (1404). The necessity of Islamic governance management in cyberspace from the perspective of Islamic jurisprudence to establish cultural-political security. Quarterly Journal of Security Perspectives, 18(69), 193-214.



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



لزوم مدیریت فضای مجازی در حکومت اسلامی از دیدگاه فقه اسلامی جهت

برقراری امنیت فرهنگی - سیاسی

محمد صدری ارحامی^۱ | احسان مرادزاده^۲

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران
۲. نویسنده مسئول: پژوهشگر گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران
eh.moradzadeh@gmail.com

چکیده

فضای مجازی در همه سطوح زندگی فردی و اجتماعی آحاد بشریت نفوذ کرده است که در قالب مزایا و معایبی در جامعه جلوه گر شده است. فرصت ها و تهدیدات امنیتی فضای مجازی، ضرورت باز اندیشی فقهی در باب لزوم مداخله حکومت اسلامی را برجسته ساخته است. این مقاله با تمرکز بر تحلیل فقهی مسئله و سنجش ادله شرعی مرتبط، در پی تبیین و تقویت نظریه وجوب مداخله‌ی دولت اسلامی در فضای مجازی است. با توجه به تردید برخی صاحب‌نظران نسبت به امکان مداخله حکومت اسلامی در فضای مجازی، طرح این پرسش را الزامی می‌کند که آیا از دیدگاه فقه اسلامی، حکومت اسلامی حق مداخله در فضای مجازی را دارد؟ با توجه به لزوم امنیت در حکومت‌ها که حکومت اسلامی نیز از آن مستثنی نیست، فرضیه پژوهش به اتکای اصول و قواعد فقهی و اطلاعات ادله از جمله: قاعده نفی سبیل، قاعده حفظ مصلحت، لزوم اقامه‌ی حکومت، ادله وجوب امر به معروف نهی از منکر و قاعده حفظ نظام، مداخله حکومت اسلامی را در فضای مجازی ضروری می‌داند. بر این اساس قواعد فقهی و ادله مذکور، امکان مداخله حاکم اسلامی در فضای مجازی را فراهم می‌کند تا اقدامات گسترده‌ای از قبیل تمهیدات تقنینی و وضع قوانین ویژه، اعمال محدودیت برای برخی از تارنماهای سخیف و گمراه کننده و غیره نماید. و این مداخله به طور ایجابی و سلبی می‌تواند فعل واجب در فضای مجازی تلقی گردد. برای اثبات این فرضیه در این نوشتار از روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر رویکرد اجتهادی بهره گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: مداخله، امنیت، حکومت اسلامی، فضای مجازی، فقه اسلامی

سال و شماره

سال ۱۸، پیاپی: ۶۹

زمستان ۱۴۰۴

صص: ۲۱۴-۱۹۳

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



استناد: مرادزاده، احسان، و صدری ارحامی، محمد. (۱۴۰۴). لزوم مدیریت حکومت اسلامی در فضای مجازی از

دیدگاه فقه اسلامی جهت برقراری امنیت فرهنگی - سیاسی. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۸(۶۹)، ۲۱۴-۱۹۳.



نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).



مقدمه

یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بیست و یکم، پیدایش فضای مجازی است که تأثیر عمیقی بر زندگی بشر گذاشته است. از یک سو، زندگی بشر در عصر حاضر چنان با فضای مجازی تنیده شده که بسیاری از تعاملات و مناسبات در این فضا شکل می‌گیرد. عمق و گستره‌ی نفوذ این فناوری بر عرصه‌های مختلف حیات بشری، از جمله ابعاد امنیتی، بیش از حد تصور بوده و در قالب حمایت یا دفاع امنیتی جلوه‌گر شده است. از سوی دیگر، فقه پویای تشیع به‌عنوان منشوری برای زندگی، هیچ عرصه‌ای از حیات بشری، از جمله امنیت اجتماعی و فضای مجازی، را بدون برنامه و پاسخ رها نکرده است. فقه اسلامی، با تکیه بر پویایی خود و اصل آزادی مسئولانه در چارچوب احکام الهی، قادر است به مطالبات نوین زندگی انسان پاسخ دهد و میان نیازهای فردی و اجتماعی، از جمله آزادی بیان و تعامل در فضای مجازی و حفظ مصالح عمومی، هماهنگی ایجاد کند. اصل آزادی در اسلام، که بر اساس نفی اکراه و احترام به کرامت انسانی شکل گرفته، این امکان را فراهم می‌کند که فقه اسلامی با تنظیم فضای مجازی، ضمن حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع افراد، امنیت و نظم اجتماعی را تضمین کند. از این رو، فقه اسلامی پایه‌ی تحولات زمان پیش رفته و با ارائه راهکارهایی شرعی، به تنظیم این عرصه نوپدید کمک می‌کند.

با توجه به شرایط امروزه و ایجاد فضای مجازی از سمت غرب به طوری که با سرعت هر چه تمام‌تر جهان را درنوردید، بدون آن که ملل بدانند و بتوانند بستر امنیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و... آن را مهیا کنند. با توجه به فرصت‌ها اعم از سهولت دسترسی به آن در هر نقطه از جهان، دستیابی آسان به اطلاعات، تنوع خدمات و... و تهدیدهای امنیتی (= اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...) فضای مجازی، توجه را به سمت تحدید اصالت آزادی کرده است که از ابوابی چون امر به معروف و نهی از منکر، قاعده نفی سبیل و... بهره می‌جوید. در همین راستا، سوال قابل طرح در این نوشتار اینست که آیا حکومت اسلامی حق مداخله در فضای مجازی را دارد؟ نگاه فقه اسلامی در موضوع مذکور چیست؟ زیرا حکومت اسلامی خواهان آن است که جامعه‌ای به وجود آورد که در مسیر تکامل معنوی پیش برود و برخی در اصل موضوع تردید دارند.

بنابراین در پژوهش حاضر نگارنده در صدد آن است که مبانی فقهی و ادله‌ی وجوب مداخله‌ی حکومت اسلامی را نسبت به فضای مجازی مورد بررسی قرار دهد و لزوم مداخله حکومت اسلامی را اثبات نماید. برای انجام این پژوهش، مطالعه به روش کتابخانه‌ای و فیش برداری با توصیف و تحلیل و استناد به آیات و روایات و دیدگاه فقها به موضوع مذکور پرداخته شده است. قبل از تبیین ادله‌ی وجوب مداخله حکومت اسلامی، لازم است واژگانی چون مداخله، فضای مجازی، حکومت اسلامی، فقه اسلامی توضیح داده شوند.

۱- مفهوم شناسی (مبانی نظری پژوهش)

۱-۱- حکومت اسلامی

حکومتی که مرجعیت همه جانبه دینی خاصی را در عرصه حکومت و اداره جامعه پذیرفته است، حکومت اسلامی نام می‌گیرد. در این نظارت دولت و نهادهای آن خودشان را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهب خاصی متعهد می‌دانند. بر اساس این تعریف حکومت اسلامی به دنبال تاسیس جامعه دینی است یعنی می‌خواهد کلیه روابط اجتماعی را، اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بر اساس آموزه‌های دینی شکل بگیرد. (Vaezi, 2004:31). نکته-ای که باید در این نوشتار روشن گردد این است که منظور از حکومت اسلامی مطلوب با توجه به ادله‌ی عقلی ضرورت حکومت و ادله‌ی نقلی، نظام ولایت فقیه در عصر غیبت است که در زمان بسط ید فقیه و عدم سلطنت حاکم جائر شکل می‌گیرد که برای اجتناب از اطاله کلام از تشریح و تفسیر ادله مذکور خودداری می‌گردد.

صاحب جواهر در باب ولایت فقیه از قول محقق کرکی می‌فرماید: «اصحاب ما اتفاق نظر دارند که فقیه عادل، امین و جامع شرایط فتوا که از وی در احکام شرعی به مجتهد تعبیر می‌شود در تمام مواردی که نیابت پذیر است از جانب ائمه هدی در عصر غیبت نیابت دارد. (Najafi, 1918:396/21) براساس مبانی معرفتی مذهب تشیع ریاست دینی و دنیوی مردم از آن پیامبر (ص) و امامان معصوم علیهم السلام است و دیگران جز به اذن و تفویض ایشان سهمی در آن ندارند. در زمان غیبت که مردم به امام معصوم علیهم السلام دسترسی ندارند، فقیهان

جامع شرایط به عنوان نایبان امام معصوم علیه السلام به مردم معرفی شده اند تا احکام و مسائل شریعت را برای آن ها بیان کنند تا از لحاظ شریعت، مردم در حیرت و سرگردانی نخواهد بود. لذا حکومت مطلوب دینی بر اساس ضرورت و اهدافی که دارد و در این نوشتار ذکر خواهد شد، در عصر اطلاعات و اینترنت نمی تواند نسبت به فضای مجازی که در روابط اجتماعی بسیار تاثیر گذار است، دغدغه نداشته باشد و به آن ورود ننماید.

۱-۲- فضای مجازی، امنیت و لزوم مداخله

واژه ی فضای مجازی برای نخستین بار توسط ویلیام گیسون نویسنده داستان علمی تخیلی در کتاب نورو منسر^۱ در سال ۱۹۸۴ به کار گرفته شد. فضای مجازی (سایبر) به مجموعه هایی از ارتباطات درونی انسان ها از طریق کامپیوتر و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیایی فیزیکی گفته می شود. این روابط در فضای غیر فیزیکی اتفاق می افتد و بسیاری از محدودیتهای دنیای معمول را ندارد. دنیای تخیلی دیروز، امروزه به واقعیتی بدل شده که برای بسیاری از مفاهیم و موجودی های فیزیکی معادل مجازی دارد. کتابخانه، فروشگاه، اتاق دید و بازدید و... (Elsan, 2020: 21) ذکر این نکته بسیار ضروریست مبنی بر اینکه واقعیت مجازی یک واقعیت به وجود آمده توسط رایانه می باشد و نباید اینگونه تفکر کنیم که تمام فعل و انفعالات در فضای مجازی، تخیلی است و حقیقت ندارد؛ زیرا فقط فضا، مجازی است یعنی در دنیای واقعی، مکانی را اشغال نکرده است (غیر فیزیکی). اما تعامل و ارتباطات یک واقعیتی است که کاربران با واسط الکترونیکی انجام می دهند. از این منظر، فضای مجازی، قابلیت ایجاد تهدید و ناامنی را داشته و این پیوستگی، محیطی را ایجاد می کند. در این محیط، اطلاعات به سرعت در حال گردش و گسترش هستند و توسعه نفوذ آن به انواع مراکز همچون مراکز دولتی، علمی و ... کشیده شده است و حتی تاثیر آن بر فناوری نظامی نیز قابل انکار نیست و بر همین اساس، مرتبط با امنیت ملی می شود چرا که در تعریف امنیت ملی آورده اند که « فقدان تهدیدات نسبت به ارزش ها، منافع و اهداف و ترس ناشی از در خطر بودن موارد اخیر را از هجمه مصون بدارد.» (Tajik, 2002: 47) تبادل اطلاعات و ارتباطات در محیط اخیر، برتری سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... را برای

مالکان این محیط‌ها به ارمغان بیاورد و به تبع آن، راه را برای سودجویی فراهم می‌کند و داده‌ها را در اختیار خلافکاران، شبکه‌های تروریستی و دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای بزرگ قرار دهند و در نتیجه امنیت ملی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۱-۳- فقه اسلامی

فقه در لغت به معنای مطلق علم و فهم است (Alsahah, 6:2243; moajam, 4:442)، البته برخی آن را مقید به علم در دین تعریف کرده اند (Alein, 3:370; almohit, 3:347). کلمه فقه و تفقه در قرآن کریم و در احادیث زیاد به کار برده شده است. مفهوم این کلمه همراه با تعمق و فهم عمیق است. در قرآن آمده است: ((فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)) (توبه، ۱۲۲). در حدیث است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من حفظ علی امتی اربعین حدیثا بعثه الله فقیها عالما» (Alkhesal, 541)

بر این اساس هرگونه تعمیق در علوم دینی را تفقه در دین می‌توان نام نهاد. اما به تدریج استعمال واژه ی فقه در معنای عام تفقه کنار گذاشته شد و در اصطلاح فقها، فقه عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل‌های تفصیلی آنها. و منظور از دلیل‌های تفصیلی این است که هر مساله از مسائل فقه برای خود دلیلی جداگانه دارد که فقیه در پرتو فقه به آن ادله، علم یا ظن پیدا کرده است. بنابراین علم کسانی که علم آنان از روی دلیل نیست از تعریف خارج می‌شود. مانند علم پیغمبران که به وسیله ی وحی است. (Feiz, 2008: 109)

منابع این علم عبارتند از: قرآن، سنت نبوی و اهل بیت، اجماع و عقل. فقیه با استناد به این منابع احکام شرعی مربوط به زندگی فردی یا اجتماعی افراد را استنباط کرده و ارائه می‌کند. نکته قابل ذکر اینست که اسلام تمامی نیازهای بشری را پاسخ گفته است، بدین صورت که با اصل مسئله را بیان کرده و یا مبانی و ملاکات آن را ارائه کرده و با امر به اجتهاد براساس این مبانی، پاسخ گو به این نیازها را برعهده فقها نهاده است. لذا در این نوشتار موضوع مداخله حکومت اسلامی در فضای مجازی بر قواعد فقهی تطبیق داده می‌شود تا تکلیف حکومت اسلامی در این عرصه ی جدید مشخص شود.

موضوع علم فقه، فعل مکلف است که خود موضوعاتی هستند برای احکام شرعی پنجگانه ای که شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه می باشند. بنابراین این فقه است که امور زندگی مردم را سامان می بخشد و مایه ی کمال و پیشرفت نوع انسان است. و بدین جهت است که دانشمندان اسلامی علم توحید را، شریف ترین علم و علم فقه را سودمند ترین، شناخته اند. (Ebneghaiem aljoozieh, 1954:5/1)

۲- تلاقی فقه و فضای مجازی در ایجاد امنیت

۲-۱- فقه فضای مجازی و امنیت

میان دو مولفه فقه اسلامی و امنیت اشتراکاتی وجود دارد که ما را به تعمیق در این حوزه واداشته است. وظیفه غایی فقه، تدوین و تبیین قوانین و احکامی است که رفتارهای فردی و اجتماعی را بر اساس دستورات شرع اسلام تنظیم می کند و این رفتارها در درجه اول قرار است به ایجاد نظم اجتماعی در محیط جامعه کمک کند. لذا ایجاد امنیت از اهداف غایی فقه اسلامی است. مصادیق این امنیت میتواند امنیت روانی، امنیت فرهنگی، امنیت ملی، امنیت قضایی و غیره باشد. از آنجایی که هیچ موضوعی نیست که فقه در آن ورود نداشته باشد، فضای مجازی نیز بعنوان یکی از موضوعات فقه نوین مورد مطالعه قرار میگیرد. اگر فقه فضای مجازی را با هدف ایجاد امنیت (در تمام مصادیق آن) مورد کنکاش قرار دهیم، به یکسری از مسائل فقهی برخورد می کنیم که تاثیر مستقیم بر امنیت ملی و جامعه دارند. مسائلی همچون قواعد فقهی حفظ حریم خصوصی و صیانت از کاربران در فضای مجازی و یا قواعد فقهی تولید، انتشار و توزیع اخبار جعلی در فضای مجازی که امروزه به عنوان یک معضل جدی بر امنیت روانی و ملی کشور ما تاثیر گذاشته است. بنابر این تاثیر دو مولفه فقه و فضای مجازی بر امنیت غیر قابل انکار است.

۲-۲- ملازمه امنیت مجازی و استمرار حکومت

فناوری های اطلاعات به دلیل سهولت در دسترسی و ارزان بودن، توجه کشورهای را توسعه نیافته و در حال توسعه را به شدت به خود جلب نمود. این از خودبیگانگی، باعث شد که عصر کنونی به عصر اطلاعات نامگذاری شود؛ عصری که جنگی اطلاعاتی را شکل می دهد و اطلاعات و داده ها

به نحوی گسترده می‌شود که بازیگران دیگری همچون سازمان‌ها، خلافکاران و دستگاه‌های اطلاعاتی، به مثابه دلالت‌دهنده‌ها، ممکن است نقش خود را به منفی‌ترین شکل ممکن ایفا کنند و باعث تخریب در حوزه‌های امنیت ملی شود. سرعت تبادل داده‌ها به نحوی بالاست که حتی دولت‌های به ظاهر توسعه یافته نیز در کنترل خروج و ورود اطلاعات ناکام مانده‌اند. (Hosseini, 2010:163) آسیب عمده را کشورهایی متحمل می‌شوند که در سطوح پایین توسعه یافتگی قرار دارند. (Albertes, 2006: 53) چرا که سهم آنان در کنترل این محیط اندک بوده و ابعاد مختلف امنیتی آنان در مخاطره قرار می‌گیرد. لذا برای تقویت این کنترل باید به اهداف استقرار امنیت ملی تحقق بخشید.

استقرار امنیت ملی، به منظور دستیابی به چهار هدف دانسته شده است:

۱) تقویت امنیت و حفاظت از شهروندان و دولت از تهدیدات؛

۲) بهبود رونق اقتصادی و تامین رفاه برای شهروندان؛

۳) حفاظت از اموال و ارزش‌های جامعه؛

۴) بهبود هنجارها، سنت‌ها و روش‌های متداول زندگی و حفظ آن‌ها. (Palizban, 2016: 641)

برای تحقق این اهداف، نوع حکومت اهمیتی ندارد، بلکه یک امر احتمالی وجود دارد و آن لزوم بقاء حکومت است و حکومت‌هایی که سهم اندکی در کنترل فضای مجازی دارند، بقاء حکومت و حفظ نظم مألوف به دشواری می‌گراید. در اغتشاشات و ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، امنیت به معنای وسیع آن تحت الشعاع قرار گرفت: تحمیل هزینه‌ها به حکومت از طریق تخریب اموال عمومی، رسوخ اغتشاشات به سنین پایین بین ۱۵ الی ۲۲، فداکاری نیروهای امنیتی و شهادت برخی از آنان و ... از عوارض این اغتشاشات بود و علت عمده بروز، استمرار، هدایت و آموزش در این ناآرامی‌ها، عدم توجه دستگاه حاکمیت به محیط زیست مجازی شناخته شده است. (Kalantari, 2025:78)

به این ترتیب، اگر در دیرباز مقاومت با سلاح‌های سخت در برابر دشمنان مقابله می‌کرد، اکنون راه نفوذ دشمنان، فضای مجازی است؛ دشمنانی که عمده‌ی فضای مجازی در تملک آنان است و از آن استفاده ابزاری می‌کند.

در نقطه شروع اقدام برای تحقق اهداف امنیت ملی، ابتدا بایستی که چهارچوبی نظری برای دخالت یا عدم دخالت ترسیم کرد تا در لوای آن بتوان به دنبال اهدافی در جلوه قانونی باشیم؛ چرا که مداخله در محیط مجازی، مداخله در محیط خصوصی تلقی شده است و نیازمند جواز قانونگذار است. (Fatli & Shahmoradi, 2017:229) و سپس به منصفه اجرا گذارده شود.

دخالت در فضای مجازی به عنوان عرصه‌ای نوین از عرصه‌های اجتماعی، ریشه در اصول فقهی مانند «امر به معروف و نهی از منکر» دارد که توسط قانونگذار اساسی نیز در اصل هشتم تبیین شده است. این نظریه، حکومت را موظف به نظارت بر جریان اطلاعات می‌داند تا از نفوذ محتوای مغایر با ارزش‌های اسلامی، مانند ترویج فساد اخلاقی یا تحریف عقاید، جلوگیری کند. از منظر حقوق اسلامی، آزادی بیان نه مطلق، بلکه مشروط به عدم آسیب به مصالح عمومی است؛ همان‌گونه که قرآن در آیات ۳۰ الی ۳۴ سوره نور بر حفظ حریم‌های اخلاقی تأکید دارد. بنابراین، دخالت، مزایایی چون تقویت هویت فرهنگی، حفاظت از نسل جوان در برابر جنگ نرم فرهنگی، و پیشگیری از جرایم سایبری به همراه دارد. عدم دخالت، معایبی چون گسترش هرج و مرج اطلاعاتی، تضعیف پیوندهای اجتماعی بر پایه اخلاق اسلامی، و افزایش آسیب‌پذیری افراد در برابر ایدئولوژی‌های افراطی یا غربی را به بار می‌آورد، که این امر با اصل «حفظ نظام» در فقه شیعه مغایرت دارد.

با این حال، نظریه‌های لیبرال، بر حقوق فردی و آزادی بیان به عنوان پایه‌های کرامت انسانی تأکید می‌کنند. از دیدگاه حقوق بشر مدرن، دخالت بیش از حد می‌تواند به سرکوب صدای مخالفان، محدودسازی دسترسی به دانش جهانی و نقض اصل «آزادی اندیشه» منجر شود. معایب دخالت را اینگونه برشمرده‌اند: کاهش نوآوری دیجیتال، مهاجرت نخبگان و تضعیف مشروعیت حکومت در جوامع جهانی است. از سوی دیگر مزایای عدم دخالت، در مقابل، شامل شکوفایی خلاقیت فردی، تقویت گفتگوی مدنی و همگرایی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر می‌شود عنوان شده است..

۳- ادله فقهی مداخله حکومت اسلامی در فضای مجازی

۳-۱- قاعده نفی سبیل

یکی از قواعد فقهی است که در ابواب متعدد و متنوع، مستند حکم قرار گرفته و احکامی که از آن بدست آمده است در جامعه اسلامی تاثیر گذار می باشد. به عبارت دیگر قاعده نفی سبیل از قواعد مشهور فقهی است و از مهم ترین و بنیادی ترین قواعد در مجموعه نظام حقوق اسلامی است و در حوزه های مختلف حقوق اسلامی جریان و کاربرد دارد.

مفهوم قاعده نفی سبیل این است که خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان را باز نگذاشته و هرگونه راه تسلط کافران بر مسلمانان را بسته است. پس در هیچ شرایطی تسلط کفار بر مسلمانان جایز نیست. (Moosavibojnoordi, 1998:187/1) به موجب این قاعده مسلمانان همواره باید دست بالا را داشته باشند و به هیچ وجه تعهد و به طور کامل تعاملی را نپذیرند که موجب تسلط غیرمسلمانان بر ایشان یا منجر به تساوی آنان با کافران گردد. به عبارت دیگر مفاد قاعده ی نفی سبیل این است که خداوند حکمی را که موجب تسلط و نفوذ کافران بر مسلمانان گردد جعل نفرموده است. (در مقام تشریح) فضای مجازی، با ویژگی های جهانی و نفوذپذیری بالا، می تواند ابزاری برای سلطه نرم کافران بر مسلمانان باشد. از منظر فقهی، این فضا در چهار بعد انگیزه ها (مانند ترویج فرهنگ غربی)، معماری (کنترل زیرساختی توسط شرکت های غربی مانند گوگل و فیسبوک)، جریان اطلاعات (جمع آوری داده های کاربران مسلمان) و محتوای در گردش (انتشار محتوای ضداسلامی)، زمینه سلطه را مهیا می کند. برای مثال، شبکه های اجتماعی مانند اینستاگرام و توییتر، با الگوریتم های طراحی شده برای ترویج ارزش های لیبرال، هویت فرهنگی جوانان مسلمان را تهدید می کنند و اطلاعات شخصی را در اختیار سرویس های جاسوسی قرار می دهند. این امر، مغایر با نفی سلطه است، زیرا مسلمانان را از طریق ابزارهای دیجیتال تحت تسلط بیگانگان درمی آورد.

(Kiankhah, 2019: 395)

کاربست قاعده نفی سبیل در فضای مجازی، دو رویکرد پیشینی و پسینی را ایجاب می کند. رویکرد پیشینی شامل طراحی زیرساخت های بومی (مانند شبکه ملی اطلاعات در ایران) و تولید محتوای اسلامی است تا نفوذ خارجی حذف شود. رویکرد پسینی، به کنترل و فیلترینگ محتوای مضر می پردازد، هرچند این امر باید با قاعده لاضرر (نفی ضرر) توأمان باشد تا حقوق کاربران حفظ گردد. فقهای چون امام خمینی و رهبر انقلاب، بر حاکمیت فقهی بر فضای سایبر تأکید

کرده‌اند و توسعه آن را منوط به عدم سلطه کافران می‌دانند. برای نمونه، سیاست‌های فیلترینگ بر اساس این قاعده، برای جلوگیری از گسترش فساد فرهنگی اعمال می‌شود، هرچند چالش‌هایی مانند دور زدن فیلترها وجود دارد. بنابراین بر اساس اصل نفی سبیل و سایر دلایل مطرح شده، حکومت اسلامی برای جلوگیری از تسلط و استیلای بیگانگان بر فکر و فرهنگ و سیاست و دین و از همه مهم‌تر ذهن مردم جامعه‌ی خود نسبت به فضای مجازی نمی‌تواند منفعلانه رفتار کند و بی‌تفاوت باشد بلکه باید در بستر فضای مجازی نقش‌آفرین باشد و تدابیر دفاعی داشته باشد و اقدامات گسترده‌ای در این زمینه از قبیل وضع قانون همانند بسیاری از کشورهای اروپایی، نظارت و فیلترینگ داشته باشد. البته نه مسدود کردن فضای مجازی بلکه به معنی جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی است. (Nasrollahi, 2025: 12) این تعریف، دیدگاه مسدودسازی که تالی فسادی دارد را اصلاح می‌کند.

بنابراین قاعده‌ی نفی سبیل هرگونه کاری را که سلطه و نفوذ بیگانه را در پی داشته باشد حرام و غیر مشروع می‌داند و مبارزه با آن را لازم و واجب می‌شمارد.

۲- قاعده حفظ مصلحت و درأً مفسده

یکی از قواعد بسیار مهم در فقه که آیات و روایات بر آن تأکید داشته و فقیهان نیز در موارد کثیری مبنای استنباط احکام قرار دادند، قاعده مصلحت هست.

صلاح در لغت به معنای ضد فساد و مصلحت در چیزی یعنی وجود خیر در آن (Ebnemanzoor, 1995) که معنای اخیر مورد لحاظ نوشتار کنونی است.

احکام اسلامی بر پایه‌ی مصالح و مفاسد وضع شده است و فقیهان زعیم براین سخن اتفاق نظر دارند. چنانچه سید مرتضی می‌نویسد: «کل شیء اوجب علينا فی الشرع، فلا بد فیه من وجه وجوب وکل شیء حرم فلا بد فیه من وجه قبح و ان کنا لا نعلم جهات الوجوب و القبح علی سبیل التفصیل» (Alamalhoda, 1967: 435/1)؛ هر آنچه در شریعت بر ما واجب شده است، باید انگیزه واجب بودن را خود داشته باشد و هر چیزی که حرام شده، باید انگیزه زشت بودن را دارا باشد، اگرچه انگیزه‌های واجب و زشت بودن را به‌طور تفصیل و مبسوط ندانیم.

خواججه‌نصیرالدین طوسی در تجرید الاعتقاد و علامه حلی در شرح آن‌همه احکام را بسته به مصلحت دانسته‌اند. بنابراین جعل احکام شرعی بر اساس مصلحت‌ها و مفسده‌هایی است که در موضوع آن‌ها وجود دارد. (Nasiroddintoosi, 1986:202; allamehelli, 1992: 319)

از جمله عللی که موجب حیات و پویایی در طول عصر غیبت شده، وجود عناصری چون مصلحت‌اندیشی، تدبیر، رعایت مقتضای زمان و مکان، خردورزی در فقه به‌عنوان ارکان اساسی است که از یک‌سو موجب حفظ جامعه شیعه و هدایت آن در شرایط سخت حکومت ظالمان شده و از سوی دیگر با دخالت دادن این امور در روند اجتهاد همیشه احکام خود را به‌روز و بر اساس شرایط زمان و مکان و مطابق مصلحت جامعه شیعه وضع کرده است که ضمن به دور ماندن از غبار کهنگی همیشه توانسته عنصری پیشگام در جهت پیشبرد اهداف عالی شیعه و اجرای منویات آن در طول زمان‌های گذشته باشد (Eizaddehi, 2005: 56).

مصلحت‌اندیشی در دوره معاصر، نمی‌تواند نسبت به عرصه نوین مجازی غافل باشد چرا که حامل تهدیداتی برای کل جامعه سیاسی است. این تهدیدات، حکومت را در مذاق‌ی قرار می‌دهد که آن را وامی‌دارد تا برای آن تدابیری بیاندیشد. از جمله این تهدیدات می‌توان به ایجاد تغییر در حوزه فرهنگی و سبک زندگی، تخریب چهره و شخصیت‌های معروف و تاثیرگذار، مخاطرات امنیتی از قبیل جاسوسی، به خطر افتادن حریم خصوصی و حقوق افراد جامعه و آسیب‌های اجتماعی چون جرایم رایانه‌ای و کلاهبرداری‌های کلان اشاره کرد. (Khalesi, 2019: 179)

بنابراین حکومت اسلامی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی خود باید همواره مصلحت اسلام، مسلمین را در نظر بگیرد. به‌عبارت‌دیگر این حاکم دینی است که می‌تواند مصالح سیاسی - اجتماعی را تشخیص دهد و به‌مقتضای زمان در این‌باره تصمیم بگیرد. با توجه به اینکه ایجاد سایت‌های مخالف با قانون و هنجارهای اسلامی، ترویج فساد، خصوصاً فسادهای اخلاقی، اعتقادی، سیاسی و... را در میان افراد جامعه را در پی دارد، می‌توان با در نظر گرفتن مقتضای قاعده مصلحت، وجوب مداخله‌ی حکومت اسلامی را در پی دارد و به‌طور فعال در این عرصه با وضع قوانین و مقررات، تشکیل ارتش سایبری، تأسیس نهادهای تخصصی مستقل، اعمال فیلترینگ، بالا بردن سطح آگاهی‌های شهروندان جامعه‌ی خود و دعوت از آنان برای همیاری

وی، نقش آفرین باشد. اتفاقاً یکی از اختیارات حاکم اسلامی، قانون گذاری بر طبق منابع اسلامی و بر طبق شرایط روز و مصالح جامعه شیعه و در راه هدایت آن به سوی مطلوب و حل مشکلات مردم است.

۳- ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

از جمله مستندات لزوم حکمرانی در عرصه فضای مجازی، ادله اقامه حکومت اسلامی است، ادله ای که با تمسک به آنها به نظام اسلامی مشروعیت بخشیدیم. آنچه میان بحث ما و این ادله اشتراک دارد، اهداف غایی تشکیل نظام اسلامی است. به این معنا که هدف از لزوم مداخله حاکمیت در فضای مجازی، همان اهداف لزوم تشکیل حکومت اسلامی است.

در زمینه لزوم اقامه حکومت ادله‌ی عقلی و نقلی متعددی وجود دارد:

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: «لا بد للناس من امیر برّ او فاجر، یعمل فی امرته المومن و یستمع فیها الکافر» (Nahjolbalagheh, 102)؛ مردم را چاره‌ای جز وجود حاکم نیست، خواه امیر صالح نیکوکار خواه امیر فاسق نابکار، تا مؤمن در سایه حکومت توان انجام کارهای خود را یابد و کافر نیز از نعمت حکومت بهره‌مند شود. از حدیث مذکور مستفاد می‌گردد که اصل حکومت ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و حتی وجود حاکم فاسق در جوامع انسانی به هرج و مرج ترجیح داده شده است و مبنای این ترجیح عقلی از باب دفع افسد به فاسد است. از دیدگاه تشیع، شعاع عقل نیاز جامعه بشری به وجود حاکم، جوامع بسیار کوچک را نیز در برمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که اگر از جامعه انسانی بیش از دو نفر باقی نمانند، لزوماً باید یکی از آن دو رهبر و امام و بر دیگری باشد، زیرا ادله‌ی عقلی و نقلی‌ای که در جامعه‌های بزرگ، ضرورت حکومت را اقتضاء می‌کرد، در جوامع کوچک نیز جریان دارد (Soltanmohammadi, 2007: 68)

ابزار حکومت، قدرت است. برای برقراری حکومت و قوام آن، قدرت سخت در روزگاران ملاک حکومت قرار می‌گرفت که به توان نظامی و انتظامی حکومت اشاره داشت. با پیشرفت جوامع و پیچیدگی حاصل از روابط بین دول، حکومت‌ها برای اقامه خود، به قدرت نرم مزین شدند. قدرت نرم عبارت است از توان اثرگذاری بر دیگران از طریق ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و محسوس. (Nai, 2011:46)

گسترش فضای مجازی، قدرت ثالثی پذیرش خود را بر حکومت‌ها تحمیل نمود که برای اقامه و بقای خود، لاجرم حکومت‌ها می‌بایست خود را در آن پیشرو کنند.

قدرت فضای مجازی که از آن به قدرت سایبری تعبیر می‌شود عبارت است از میزان توانایی حکومت در حفاظت و تقویت حوزه قدرت خود از طریق و درون فضای مجازی. (Roohani, 2024: 67)

این قدرت چالش جدیدی برای قاعده ضرورت تشکیل حکومت ایجاد کرده است. این فضا، بدون مرزهای جغرافیایی، بستری برای انتشار اطلاعات، تعاملات اجتماعی و تهدیدات فرهنگی - امنیتی فراهم می‌آورد. از منظر فقهی، قاعده حفظ نظام (مشتق از قاعده ضرورت) ایجاب می‌کند که حکومت دینی، حاکمیت خود را بر آن اعمال کند تا از اخلال در نظام اسلامی جلوگیری شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله)، در بیانات خود بر «حکمرانی قانونی در فضای مجازی» تأکید کرده و آن را بخشی از وظایف حکومت می‌داند: «اگر قانونی ندارید، قانون را به وجود بیاورید و بر اساس آن زمام کار را به دست بگیرید.» (دیدار با هیئت وزیران دولت چهاردهم مورخ ۱۴۰۳/۶/۶) این دیدگاه، فضای مجازی را نه تهدید، بلکه فرصتی برای گسترش ارزش‌های اسلامی می‌بیند، مشروط به سیاست‌گذاری مبتنی بر قواعد فقهی مانند لاضرر (عدم ورود ضرر به جامعه) و ائتلاف (جلوگیری از هدررفت منابع).

این عرصه قدرت جدید حکومت، آنچنان واجد اهمیت شده است که کارویژه‌هایی مهم استمرار حکومت‌ها به آن گره خورده است. به تعبیری، نوع بهره‌مندی از این فضای مجازی، متفاوت است: ابزاری است برای خدمت‌رسانی و اعمال حاکمیت در فضای حقیقی، بخشی است از قلمرو حاکمیت ملی و تحت قوه آمرانه آن و ایجادکننده تحول در کلیت فضای زندگی مردم و تشکیل افق تمدنی جدید. (Ibid: 69) رابطه قاعده مزبور با فضای مجازی، در دو بعد ظاهر می‌شود: اول، ضرورت تشکیل ساختارهای حکومتی جدید مانند شورای عالی فضای مجازی برای اعمال ولایت فقیه در این حوزه. دوم آنکه مسئولیت حکومت دینی در آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی از طریق این فضا، که بر پایه قاعده وجوب حفظ نظام، تولید محتوا و نظارت است را توجیه می‌کند. بدون این حکمرانی، فضای مجازی می‌تواند به ابزاری برای اخلال نظام تبدیل شود، که خلاف قاعده ضرورت است.

بنابراین با توجه به اطلاق ادله‌ی لزوم اقامه حکومت، از وظایف حکومت اسلامی است که در فضای مجازی مداخله نماید و نمی‌تواند نسبت به این فضا و شبکه جهانی اینترنت در محدوده نظارت و قانون‌گذاری بی‌تفاوت باشد. در غیراینصورت با توجه به شرایط امروزه و تنیدگی زندگی بشر با فضای مجازی، حکومت اسلامی قادر نخواهد بود شهروندان جامعه‌ی خود را به سمت سعادت و کمال هدایت نماید.

۴- ادله امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از فرایض بزرگ اسلامی محسوب می‌شود و نه تنها به اجماع فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل و جوب آن جزء ضروریات دین اسلام به شمار می‌آید. بستر فضای مجازی همواره آلوده به بزرگترین منکرات است. این بستر در اختیار تک تک آحاد جامعه قرار داد و منکرات رخ داده در آن، عمیق‌ترین اثرات را بر حیات فردی و اجتماعی افراد می‌گذارد. لذا اگر قرار است نهی از منکری صورت بگیرد، باید در این حوزه قوی تر باشد. در این میان وظیفه و نقش حاکمیت اسلامی تا چه میزان است؟

برخی از وظایف حاکم اسلامی چنان اهمیتی دارد که در منابع روایی، شناخت حاکمان عدل الهی مشروط به شناخت و انجام این وظایف از سوی آن‌هاست. از جمله این وظایف مهم که به‌عنوان حاکمان عدل معرفی شده، امر به معروف در قبال مردم است. « اعرفوا... اولی الامر بالمعروف و العدل و الاحسان » (Allameh majlesi, 2025:274)

همچنین یکی از وظایف و شئونی را که بسیاری از فقیهان شیعه در عصر غیبت برای فقیه جامع‌الشرایط ذکر کرده‌اند، امر به معروف و نهی از منکر است. به عبارت دیگر از مهم‌ترین غایات اصلی سیاست و کار ویژه‌های حکومت اسلامی تربیت مردم از راه امر به معروف و نهی از منکر است.

نکته‌ی مهم در مسئله امر به معروف و نهی از منکر این است که مفهوم و عنوان معروف و منکر چنان ویژگی‌ای دارد که می‌تواند بسیاری از مسائل سیاسی و حکومتی را در برگیرد، به گونه‌ای که تشکیل حکومت اسلامی از سوی فقیه عادل را می‌توان از مقدمات اجرای این دو فریضه اساسی به حساب آورد. بنابراین آنچه از این واجب اساسی علاوه بر سایر موارد، متوجه فقیهان می‌شود،

امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان جامعه و در مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است؛ از قبیل مبارزه با تحریفات، بدعت‌ها، دفاع از حریم عقاید دینی و مذهبی، هدایت حاکمان سیاسی و مانند آن که از عهده‌ی غیر فقها بر نمی‌آید (Soltanmohammadi, 2007: 150).

معروف در لغت به معنی شایسته است ولی در اینجا مراد از آن هر گفتار و کرداری است که طاعت خدا باشد. همچنین منکر در لغت به معنی هر چیز ناپسند و زشت و انکار شده و مراد از آن هر گناه و جرم و معصیتی است که اسلام آن را حرام کرده است و فرقی نمی‌کند قول باشد یا فعل (Shahidsani, 1870: 1/267).

و می‌توان گفت هر قول و فعل خوب و شایسته که سزاوار است گفته شود و یا انجام گیرد، معروف است و ترک واجب همه از منکرات است.

آقا جمال خوانساری در تعریف معروف و منکر می‌نویسد: مراد به معروف چیزی است که حق تعالی نیکو دانسته و واجب کرده و به منکر چیزی چند که حق تعالی بد دانسته و حرام کرده است. به عبارت دیگر از مهم‌ترین آثار امر به معروف و نهی از منکر اصلاح اجتماعی مسلمانان است، چراکه فلسفه‌ی تشریح امر به معروف و نهی از منکر در شریعت برای مصلحت عامه‌ی مردم است. همچنین اثر اختصاصی امر به معروف، تقویت و پشتیبانی مؤمنان و فایده‌ی منحصر نهی از منکر، بر خاک مالیدن بینی فاسقان و خوار و سبک کردن ایشان است (Khansari, 2006: 2/263). از آنچه که قاعده امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کند، عرصه اعمال، هر گونه عرصه تعاملات اجتماعی است. موضوع مهم روابط و تعاملات اجتماعی، این است که دیگر تعاملات تنها به شکل حقیقی متصور نیست و فضای مجازی و ارتباطات در آن، بخشی جدای ناپذیر از زندگی بشری تلقی می‌شود. (Moghimi, 2024: 1118) فلذا احکام اجتماعی اسلام، همچون امر به معروف و نهی از منکر، می‌بایست در عرصه تعاملات نوین، حکمفرما باشد تا غایات اسلامی حاصل گردد.

به واسطه تنقیح مناط نیز می‌توان وجوب امر به معروف در فضای مجازی را ثابت نمود. که از جمله اصول لفظیه به شمار می‌رود؛ زیرا با مراجعه به ادله وجوب اجرای امر به معروف، احیای دین و قوام آن هست؛ به طوری که انجام همه واجبات و ترک همه محرمات و برقراری امنیت و آسایش

در جامعه وابسته به انجام این دو وظیفه الهی است: (Eizadifar & Hosseinnejad, 2015: 82) تنقیح مناط علت تامه و خالص حکم (مناط) را از دل ادله شرعی استخراج می‌شود تا حکم بر موارد مشابه تعمیم یابد. در باب امر به معروف و نهی از منکر، ادله‌ای چون آیه ۱۰۴ سوره آل عمران («وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ») و روایتی از امام علی (ع) («كَثْرَةُ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَيَنْشُرُ الذِّكْرَ») (Ghorarolhekam, 2/563) دلالت بر وجوب عام آن دارند، اما با تنقیح، مناط را «حفظ نظام دینی و اجتماعی از انحراف» می‌یابیم؛ یعنی هر جا ظهور معروفی بر مصالح دینی و ترک منکری بر ممانعت مفسد باشد، حکم جاری است.

رابطه تنقیح مناط با این فریضه، در استنباط احکام نوپدید مانند فضای مجازی آشکار می‌شود. فضای مجازی، بستری عظیم برای ترویج معارف الهی (مانند نشر احادیث) و دفع منکرات (مانند شبهات کفرآمیز) است؛ جایی که روزانه میلیاردها تعامل، دین را احیا یا منحرف می‌کند. اگر مناط وجوب، قوام جامعه بر پایه ایمان باشد، فضای مجازی مصداق بارز آن است؛ زیرا عدم امر به معروف در آن، به سرعت به اشاعه فساد (مانند ترویج بی‌بندوباری) و تضعیف دین می‌انجامد، همان‌گونه که در جامعه حقیقی رخ می‌دهد. فقها چون آیت‌الله خویی در تحریر الوسیله، با این قاعده، احکام را به مصادیق جدید تعمیم داده‌اند. بنابراین، تنقیح مناط نه تنها وجوب را اثبات می‌کند، بلکه بر لزوم اقدام فوری مؤمنان در مجازی تأکید دارد؛ چرا که غفلت از آن، قوام دین را در عصر دیجیتال به مخاطره می‌افکند. این استدلال، امر به معروف را از واجب عینی در موارد مؤثر، به تکلیف همگانی تبدیل می‌نماید.

این ملاک در فضای مجازی با توجه به گستردگی منکرات در این فضا وجود دارد. بنا به گزارشی که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شده است، مصادیق و عوامل زمینه‌ساز فساد در حوزه داده‌ها را چنین احصاء کرده است که گستردگی بسیاری یافته؛ به نحوی که نمی‌توان عصر کنونی را فارغ از آن دانست و تمامی عوامل فرودین و فروزین یک جامعه سیاسی را دربرمی‌گیرد. این حوزه‌ها عبارتند از استفاده مجدد بی‌رویه از داده‌ها، عدم استقرار نهاد تنظیم‌گر بخشی و فقدان نظارت موثر بر داده‌ها، ایجاد محدودیت شخص موضوع داده در انتقال داده‌ها در زیست‌بوم محصور، بی‌توجهی به امنیت داده‌ها در برابر سرعت پردازش، ضعف ضوابط و سازوکارهای دسترسی؛ عدم اطلاع‌رسانی به کاربران در خصوص پردازش الگوریتمی داده‌ها،

دسترسی، جمع‌آوری و افشای غیرمجاز داده‌ها و ... (Majles shora Eslami, 2025:13) این حوزه مفسد، عرصه امر به معروف و نهی از منکر را در حوزه مردم با مردم، مردم با دولت و دولت با مردم را می‌طلبد. بنابراین به موجب تنقیح مناط می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را در فضای مجازی واجب دانست.

بنا بر اطلاق ادله نقلیه مبنی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و به حکم عقل و تنقیح مناط و گستره وسیعی از منکرات در فضای مجازی، واجب است حکومت اسلامی به فریضه امر به معروف در فضای مجازی اهمیت بدهد و مداخله نماید.

۵- قاعده حفظ نظام:

قاعده حفظ نظام یکی از اصول مهم در فقه اسلامی است که بر اساس آن، حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه اهمیت بسیاری دارد. این قاعده در فقه به عنوان یک اصل کلی در نظر گرفته می‌شود، در مواقعی که نص صریح و واضح در مورد یک مسأله وجود ندارد، مصلحت حفظ نظام و امنیت عمومی جامعه اولویت پیدا میکند. این اصل در فقه اسلامی به عنوان یک راهبرد برای هدایت اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج و بی‌نظمی است.

قاعده حفظ نظام به این معنی است که در هر حکمی، حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه باید در نظر گرفته شود و به عنوان یک ابزار مهم در فقه اسلامی برای حفظ امنیت و نظم اجتماعی است. همچنین، این قاعده نشان می‌دهد که فقه اسلامی میتواند به راحتی با مسائل جدید و پیچیده جامعه مدرن تطبیق یابد. این قاعده در فقه اسلامی بر اساس آیات قرآنی (الکھف: ۶۵) و احادیث پیامبر(ص) استخراج شده است.

در مواقعی که نصوص شرعیه در مورد یک مسأله واضح نیستند، از این قاعده به عنوان یک اصل کلی برای حل مشکلات استفاده می‌شود. به عنوان نمونه، در مسایل جدیدی مانند فناوری، فضای مجازی، و معاملات نوین، فقها از این قاعده برای استنباط احکام شرعیه استفاده میکنند. بطور مثال: در مورد معاملات مالی، این قاعده میتواند به جلوگیری از معاملات خطرناک و غیرایمن کمک کند.

جامعه امن و ایمن که منتظم باشد، زیربنای توسعه پاسدار که لازمه هر نظامی است، می‌باشد و در مقام اهمیت، هم‌نشین قدرت و منافع ملی است. با توجه به رشد و توسعه فناوری‌های فضای مجازی و بسیاری از خدمات و امکاناتی که در دنیای مجازی فراهم شده، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است؛ تا جایی که از برجسته‌ترین تحولات امنیت در عصر فضای مجازی می‌توان به وابستگی متقابل امنیت در فضای مجازی با امنیت در فضای غیرمجازی که به طور مستقیم سایر حوزه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اشاره کرد. ویژگی‌هایی نظیر سرعت بالای اقدام در فضای مجازی، هزینه و زمان کم، گمنامی و ناشناس ماندن بازیگران، دامنه اثرگذاری گسترده و ... استفاده سوء از فضای مجازی برای پیشبرد امیال کشورها در تحقق اهداف اجتماعی، ایدئولوژیکی، سیاسی، نظامی و مالی، زیان‌ها و تهدادات جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. از جمله مهم‌ترین اهداف عبارتند از جنگ سایبری، تروریسم سایبری، جرایم سایبری، جاسوسی، آشفتنگی سایبری. (Khalilpoor & nooralivand, 2012: 8)

برهمن اساس، وجود یک هدف اهم (حفظ نظام و جلوگیری از اخلال در آن) حاکمیت اسلامی باید در این حوزه ورود پیدا کرده و موثر واقع شود. اهداف این مداخله می‌تواند به شرح زیر باشد:

- ✓ حفظ امنیت و نظم اجتماعی: بر اساس قاعده حفظ نظام، حکومت باید از امنیت و نظم اجتماعی محافظت کند. لزوم برخورد حکومت با جرایم فضای مجازی و انتشار اطلاعات و سایر تهدیدات این حوزه از مصادیق این هدف است.
- ✓ کنترل و نظارت: برای حفظ نظم در فضای مجازی، حکومت باید قوانین و مقرراتی را تدوین کند که استفاده از این فضا را برای کاربران امن و مطمئن باشد. این شامل کنترل بر محتوای انتشار یافته، جلوگیری از هک و سوء استفاده از داده‌ها و مقابله با جرائم اینترنتی است.
- ✓ حفظ مصالح عمومی: حکومت موظف است مصالح عمومی جامعه را در نظر بگیرد. در فضای مجازی، این به معنای جلوگیری از انتشار محتوای مضر و حفظ حریم خصوصی است.

✓ حل چالشهای جدید: فضای مجازی چالشهایی مانند تهدیدات سایبری از طریق انتشار محتوای غیراخلاقی ایجاد میکند. حکومت باید با استفاده از قاعده حفظ نظام، به این چالشها پاسخ داده و راه حلهایی ارائه کند.

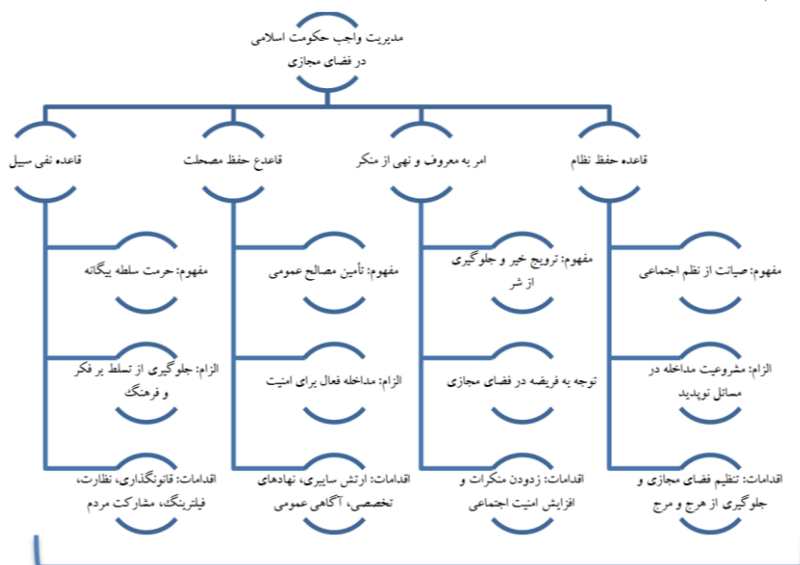
در نتیجه، قاعده حفظ نظام ایجاب می‌کند که حکومت در فضای مجازی مداخله کند تا امنیت، نظم، و مصالح عمومی را حفظ کند. این مداخله باید بر اساس قوانین و مقررات شرعی و همچنین مصالح جامعه انجام شود (Emamjomeh, 2019: 170).

نتیجه‌گیری

فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بیست و یکم، نفوذ عمیقی در زندگی فردی و اجتماعی بشر یافته و فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی گسترده‌ای به همراه آورده است. این مقاله با تمرکز بر تحلیل فقهی، ضرورت مداخله حکومت اسلامی در این عرصه را برای برقراری امنیت فرهنگی-سیاسی تبیین می‌کند. با طرح پرسش اصلی: «آیا حکومت اسلامی حق مداخله در فضای مجازی را دارد؟»، فرضیه پژوهش بر پایه قواعد فقهی مانند نفی سیل، حفظ مصلحت، لزوم اقامه حکومت، امر به معروف و نهی از منکر، و حفظ نظام، مداخله را واجب می‌داند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد اجتهادی است و از منابع کتابخانه‌ای، آیات، روایات و دیدگاه فقها بهره می‌گیرد.

در مفهوم‌شناسی، حکومت اسلامی به عنوان نظامی مبتنی بر ولایت فقیه در عصر غیبت تعریف می‌شود که مرجعیت دینی را در اداره جامعه می‌پذیرد و هدف آن تأسیس جامعه‌ای دینی با روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر پایه آموزه‌های اسلامی است. فضای مجازی، به عنوان مجموعه ارتباطات غیرفیزیکی از طریق کامپیوتر و مخابرات، واقعیتی فراتر از تخیل است که تهدیدهایی مانند هجوم سایبری، ترویج فساد اخلاقی و سیاسی، و سلطه بیگانگان بر امنیت ملی ایجاد می‌کند. فقه اسلامی، به عنوان علم احکام شرعی فرعی از قرآن، سنت، اجماع و عقل، پویا و پاسخگو به نیازهای نوین است و با اصل آزادی مسئولانه، تعادل میان حقوق فردی و مصالح عمومی را برقرار می‌سازد.

تلاقی فقه و فضای مجازی بر امنیت تأکید دارد؛ فقه با تنظیم رفتارها، نظم اجتماعی را تضمین می‌کند و امنیت روانی، فرهنگی و ملی را هدف غایی خود می‌داند. ملازمه امنیت مجازی با بقای حکومت، با اشاره به اغتشاشات اخیر، ضرورت کنترل را برجسته می‌سازد. ادله فقهی مداخله عبارتند از: قاعده نفی سبیل که هرگونه سلطه کفار بر مسلمانان (فرهنگی، سیاسی، دینی) را نفی می‌کند و مداخله را برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان واجب می‌شمارد؛ قاعده حفظ مصلحت که احکام را بر پایه خیر و دفع مفسده وضع می‌کند و قانون‌گذاری، فیلترینگ و ارتش سایبری را توجیه می‌نماید؛ لزوم اقامه حکومت بر اساس ادله عقلی و نقلی (مانند حدیث امیرالمؤمنین) که قدرت سایبری را ابزار بقای نظام می‌داند؛ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه‌ای کلان برای اصلاح اجتماعی در تعاملات مجازی؛ و قاعده حفظ نظام که اولویت مصلحت عمومی را در برابر جرایم سایبری و تهدیدات نوین الزامی می‌سازد.



نتیجه: مدیریت قانونمند با رویکرد ایجابی (ارتقای آگاهی) و سلبی (نظارت و فیلترینگ)

فهرست منابع

- Holy Quran
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram, (1995), Lisan al-Arab, Beirut: Dara Hayya al-Turaht al-Arabi.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah. (2000), Sahifeh Noor, vols. 12 and 17, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Ibn Qayyim al-Jawziyyah, Shams al-Din Abi Abdullah Muhammad ibn Abi Bakr, (1954). Publishers' announcement, Beirut: Al-Muktabah al-Asriya, Saida.
- Ibn Babuyyah, Abi Jafar Muhammad ibn Ali (Sheikh Saduq), (1958). Ayoun Akhbar al-Reza (AS), researcher: Mahdi Lajvardi, Tehran: Jahan Publishing House, first edition.
- Alberts, David. (2006). Selections from the Information Age, translated by Aliabadi, Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications
- Imam Juma, Seyyed Mohammad Reza and others, (2019), Journal of Applied Issues in Islamic Education, Volume 4, Number 4, pp. 168-198.
- Izad Dehi, Seyyed Sajjad. (2005), Political Thought of Saheb Jawaher. Qom: Bostan Ketab, first edition.
- Izadi Fard, Ali Akbar and Hossein Nejad, Seyyed Mojtaba. (2015), Jurisprudential Study of Enjoining Good and Forbidding Evil in Cyberspace, Islamic Governance Journal, Year 20, Issue 3, Serial 77. 71-98.
- Tajik, Mohammad Reza. (2002). An Introduction to the National Security Strategy of the Islamic Republic of Iran: Approaches and Strategies, Vol. 1, Tehran: Farhang Loghman.
- Alam al-Huda, Seyyed Morteza. (1967), Al-Dhari'ah to the Principles of Sharia, Tehran: Tehran University Publishing and Printing Institute.
- Amdi, Abdul Wahid bin Muhammad. (1989). Gharr al-Hikam wa Darr al-Kalam, Iran-Qom: Dar al-Kutb al-Islami.
- Majlisi, Muhammad Baqir (Allamah Majlisi). (1982), Bihar al-Anwar, Beirut: Darahiya al-Turaht al-Araby.
- Sultan Mohammadi, Abolfazl, (2007). Political Thought of Allameh Majlesi, Qom: Bostan Ketab, second edition.
- Shahid Thani, Zayn al-Din (1865), Sharh al-Lamma (Al-Rawdha al-Bahiya fi Sharh al-Lamma al-Damascus), lithographed by Dar al-Taba'ah Dar al-Khilafah.
- Hosseini, Seyed Mehdi. (2010). Concepts and Framework of National Information Policy. Library and Information, pp. 141-166.
- Khansari, Mohammad bin Hussein. (2006), Commentary on Gharr al-Hakam and Darr al-Hakam, Tehran: Tehran University Printing and Publishing Institute. Fifth edition.
- Moein, Mohammad. (2012). Moein's Dictionary, 2 volumes. Tehran: Amirkabir Publications.
- Mousavi Bojnourdi, Seyyed Hassan. (1998), Al-Qawwad al-Fiqhiyah, first edition. Qom: Al-Hadi Publishing House.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2011), Law and Politics in the Quran, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Kiankhah, Ehsan. (2019). Explaining the inclusion and application of the mustache negation rule on the expansion of cyberspace. Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge, pp. 384-414.
- Feyz, Alireza. (2008), Fundamentals of Jurisprudence and Principles, Tehran: University of Tehran. 19th edition.
- Vaezi, Ahmad. (2004), Islamic Government, Qom: Qom Seminary Publications.

- Hossein Nejad, Seyyed Mojtaba; Moniri, Hamid Reza. (2018). Analysis and jurisprudential study of the implementation of filtering in cyberspace. *Islamic State Quarterly*, No. 84, pp. 27-56.
- Nasir al-Din Tusi, Muhammad ibn Muhammad. (1986). *Abstraction of Belief*, Researcher: Muhammad Javad Hosseini Jalali, Tehran: Maktaba Al-Ilam Al-Islami.
- Najafi, Muhammad Hassan. (1918). *Jewels of the Word*, Beirut: Darahiya al-Turaht al-Arabi, 7th edition.
- Younes Fathi; and Khairollah Shahmoradi. (2017). The scope and scope of privacy in cyberspace, *Justice Legal Journal*, No. 99.
- Palizban, Mohsen. (2016). Studying the Relationship between the Internet and National Security of the Islamic Republic of Iran, *Politics Quarterly*, No. 35
- Nasrollahi Mohammad Sadeq (2025). The nature and legal issues of filtering cyberspace, *Bi-Quarterly Journal of Jurisprudence and Media Law Studies*, 6 (2): 7-36.
- Khalisi, Parvin, Babaei, Mohammad Bagher, Mazaheri, Mohammad Mehdi. (2019). Challenges, Opportunities and Political Effects of Cyberspace in the Perspective of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Political Research of the Islamic World*, 9(4), pp. 165-188.
- Rouhani, Abolfazl and Rouhani, Mehdi. (2024). The role of cyberspace in the national governance of the Republic of Iran. *Interdisciplinary Studies in Strategic Knowledge*, 13(53), 84-61
- Khalilipour Roknabadi, Ali, Nooralivand, Yaser. (2012). Cyber threats and their impact on national security, *Strategic Studies Quarterly*, 15(2), 167-196.
- Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2025). *Report on Corruption in the Cyberspace Data Supply Chain under the Permanent Secretariat for Combating Poverty, Corruption and Discrimination*, Tehran: Office of Culture and Education Studies.

